
از راست: اریک هوگلاند و جواد صفی‌نژاد، تهران، تابستان ۱۹۷۹، عکاس: مری هوگلاند

روایت اریک هوگلاند، ایران‌شناس آمریکایی از اخلاق پژوهش جواد صفی‌نژاد

فروتنی در منش، سخاوت در دانش

صفی‌نژاد تأکید داشت برای فهم مردم، باید کنارشان نشست

یادمان

حمیدرضا حبیبی
گروه اندیشه

آنچه یک استاد از خود به جا می‌گذارد، همیشه در کتاب‌ها و مقاله‌هایش خلاصه نمی‌شود؛ گاهی مهم‌ترین میراث او در شیوه‌ای است که به شاگردان و همکارانش آموخته است که جهان و انسان را چگونه ببینند. روایت اریک هوگلاند، ایران‌شناس آمریکایی، از جواد صفی‌نژاد از همین جنس است. او می‌گوید، از صفی‌نژاد آموخته است که پژوهشگر برای فهم مردم نباید تنها از آنان اطلاعات بگیرد، بلکه باید در مقام انسانی همتراز با آنان بنشیند، به تجربه‌هایشان گوش کند و مجال دهد صدای خودشان در پژوهش شنیده شود. هوگلاند این نکات را در پیامی برای اولین نشست سالانه «بازخوانی آثار و آرای استاد جواد صفی‌نژاد» که در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار شد، مطرح کرد؛ پیامی که در آن از دوستی و همکاری خود با صفی‌نژاد و نیز از مهم‌ترین درسی گفت که از او درباره اخلاق پژوهش و نحوه مواجهه با مردم آموخته است. جواد صفی‌نژاد از چهره‌های برجسته مطالعات اجتماعی و روستایی ایران بود و سال‌ها در زمینه ساختارهای اجتماعی و اقتصادی روستا، تاریخ و فرهنگ ایران و شناخت جامعه ایرانی پژوهش کرد.

نخستین دیدار من با جواد صفی‌نژاد به پاییز سال ۱۳۵۰ بازمی‌گردد؛ زمانی که برای انجام پژوهش‌های میدانی رساله دکترایم درباره «ساختارهای اجتماعی ـ اقتصادی روستایی در ایران» به این کشور سفر کرده بودم. در آن دوره توانستم با مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران که در ساختمانی نزدیک میدان بهارستان تهران فعالیت می‌کرد، ارتباط علمی برقرار کنم و در طول ۱۰ ماه حضورم در ایران با شماری از استادان و پژوهشگران ایرانی آشنا شدم.

استاد راهنمایی که دوستم شد

اما آشنایی من با جواد صفی‌نژاد از یک رابطه صرفا دانشگاهی فراتر رفت. او یکی از چندین پژوهشگر و استاد ایرانی بود که در آن دوره با آنان آشنا شدم، اما تنها کسی بود که رابطه‌ام با او هم در جایگاه استاد و راهنما شکل گرفت و هم به دوستی صمیمانه و ماندگار انجامید. بسیاری از آنچه امروز درباره پژوهش در جامعه روستایی ایران و همچنین شیوه مواجهه با مردم این سرزمین می‌اندیشم، ریشه در همان سال‌ها و در آشنایی و همکاری با صفی‌نژاد دارد. یکی از مهم‌ترین درس‌هایی که از این دوست گرانقدر آموختم، این بود که چگونه با کشاورزان و روستاییان ایرانی صرفاً مصاحبه نکنم، بلکه بلکه با آنان نه در مقام پرسشگری از موضعی برتر، بلکه در مقام انسانی برابر به گفت‌وگو بنشینم.

> صفی‌نژاد بی‌دریغ و مشتاقانه دانشی بی‌پایان را با من و با هر کس دیگری که گوش شنوایی داشت، به اشتراک می‌گذاشت. سخاوت علمی او بخشی از شخصیتش بود و همین روحیه، گفت‌وگو با او را به تجربه‌ای همواره تازه و آموزنده تبدیل می‌کرد

این تفاوت، برای من بسیار اساسی بود. صفی‌نژاد به من آموخت پژوهشگر نباید فقط پرسش‌کننده‌ای باشد که برای گردآوری اطلاعات به سراغ مردم می‌رود. او باید بتواند با آنان وارد گفت‌وگویی برابر شود، با صبر و حوصله به سخنان‌شان گوش دهد و دغدغه‌ها، ناکامی‌ها و نارضایتی‌هایشان را بشنود.

در مورد کشاورزان و روستاییان، این مسأله اهمیت بیشتری داشت؛ بویژه در فهم تجربه آنان از اصلاحات ارضی و تأثیراتی که این برنامه بر زندگی و مناسبات اجتماعی‌شان گذاشته بود.

رویکردی برای شناخت واقعی مردم

آنچه من از صفی‌نژاد آموختم، فراتر از یک روش پژوهشی بود. او به من یاد داد شناخت جامعه صرفا از طریق پرسشنامه، مصاحبه و جمع‌آوری اطلاعات کامل نمی‌شود.

برای شناخت واقعی مردم باید به آنان فرصت داد که از تجربه زیسته خود بگویند و به آنچه می‌گویند با احترام گوش سپرد. رابطه میان پژوهشگر و مردمی که موضوع مطالعه او هستند، می‌تواند رابطه‌ای انسانی، متقابل و برابر باشد. به گمان من، همین نگاه است که پژوهش میدانی را از یک فرآیند صرفاً اطلاعاتی فراتر می‌برد و آن را به راهی برای فهم عمیق‌تر زندگی اجتماعی تبدیل می‌کند. صفی‌نژاد خود نیز فقط در یک حوزه تخصصی خلاصه نمی‌شد. او کارشناسی برجسته در زمینه ساختارهای اقتصادی و اجتماعی روستایی بود، اما دانش و علایقش بسیار گسترده‌تر از این حوزه بود. او متخصصی تمام‌عیار در تاریخ ایران و بویژه زادگاهش، شهرری بود و درباره ادبیات، شعر، دین و آداب و رسوم اجتماعی ایران دانش فراوان داشت. حتی در زمینه سفره و آشپزی ایرانی نیز دانشی داشت که برای من همیشه دلپذیر و جالب بود.

اندیشمندی بی‌ادعا

یکی از ویژگی‌های دوست‌داشتنی او این بود که این دانش گسترده را برای خودش نگه نمی‌داشت. صفی‌نژاد بی‌دریغ و مشتاقانه دانشی بی‌پایان را با من و با هر کس دیگری که گوش شنوایی داشت، به اشتراک می‌گذاشت. سخاوت علمی او بخشی از شخصیتش بود و همین روحیه، گفت‌وگو با او را به تجربه‌ای همواره تازه و آموزنده تبدیل می‌کرد.

برای من، جواد صفی‌نژاد فقط یک استاد و پژوهشگر برجسته نبود. او در همان سال‌های اول آشنایی، به راهنمای علمی من در پژوهش‌های میدانی تبدیل شد و در کنار آن، دوستی‌ای صمیمی و ماندگار شکل گرفت؛ دوستی‌ای که تأثیر آن بر نگاه من به ایران، جامعه روستایی و خود کار پژوهش بسیار عمیق بود.

سخاوت علمی؛ خصلت یک اندیشمند بی‌ادعا

برش

اکنون که به سال‌های گذشته نگاه می‌کنم، بیش از هر چیز به این فکر می‌کنم که «صفی جان» چگونه در شیوه نگاه کردن من به مردم و شنیدن صدای آنان اثر گذاشت. او به من آموخت که برای فهم زندگی روستاییان ایران، پیش از آنکه درباره آنان سخن بگویم، باید به سخنان خودشان گوش بدهم؛ نه از موضع کسی که از بیرون نگاه می‌کند، بلکه در مقام انسانی که برای تجربه و صدای دیگری ارزش و احترام قائل است. برای این همه چیز که از او آموختم و برای دوستی ارزشمندی که نصیبم شد، همیشه از او یاد خواهم کرد.



نقد رئیس انجمن انسان‌شناسی از به حاشیه‌رفتن پژوهش میدانی در دانشگاه‌ها

علوم اجتماعی به «سندروم نقل» دچار شده است

نقد و نظر

سیامک محمدی
گروه اندیشه



جبار رحمانی، رئیس انجمن انسان‌شناسی ایران و دانشیار مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، در اولین نشست سالانه «بازخوانی آثار و آرای استاد جواد صفی‌نژاد» که در محل پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار شد با نقد وضعیت علوم‌اجتماعی در دانشگاه‌های کشور، تصریح کرد که «سنت پژوهش میدانی در علوم‌اجتماعی ایران» تضعیف شده و جای آن را «سندروم نقل» گرفته است.

جبار رحمانی معتقد است که در دانشگاه‌های علوم‌اجتماعی ایران نام پژوهشگرانی چون جواد صفی‌نژاد، مرتضی فرهادی، جلال ستاری و علی بلوکباشی و سنت پژوهشی آنان به عمد به حاشیه می‌رود؛ سنتی که بر شناخت جامعه از طریق مشاهده مستقیم، گفت‌وگو با مردم و استناد به زمینه‌های تاریخی و فرهنگی متکی است. او تصریح کرد: «اتفاق مهم و معناداری در نظام دانشگاهی و حتی سیاست‌گذاری علمی افتاده است که من نام آن را نادیده‌انگاری سیستماتیک این محققان بزرگ می‌گذارم.»

از نظر او، یکی از دلایل اصلی این وضعیت، غلبه رویکردی است که پیش از «مواجهه با جامعه»، پاسخ‌ها را در «نظریه» جست‌وجو می‌کند و آن را «سندروم نقل» نامید و در توضیح آن گفت: «در این شیوه، پژوهشگر واقعیت را نه برای کشف ناشناخته‌ها، بلکه برای تطبیق با چارچوبی از پیش تعیین‌شده مطالعه می‌کند.» و در این راستا به نمونه‌هایی از رساله‌های دانشگاهی اشاره کرد که گاه دانشجو درباره ساختارهای بوروکراتیک ایران تحقیق می‌کند، بی‌آنکه به آرشیوهای موجود مراجعه یا با مدیران و کارشناسان گفت‌وگو کند! این استاد انسان‌شناسی، در تبیین فاصله علوم‌اجتماعی دانشگاهی با جامعه، از دو رویکرد «نگاه درختی» و «نگاه ریزوماتیک» سخن گفت؛ که اولی می‌کوشد فرهنگ ایرانی را حول چند عنصر کلان و مرکزی توضیح دهد؛ اما دومی، بر شبکه‌های متکثر، افقی و محلی تمرکز دارد. از این منظر، مطالعه قنات، نظام بُنه، زندگی عشایر یا دانش گیاهان دارویی راهی برای فهم شبکه‌های دانش بومی، همکاری اجتماعی و سازگاری انسان با محیط است. رحمانی معتقد است، شناخت جامعه ایرانی از دل همین جزئیات و مطالعات پیوسته شکل می‌گیرد: «با خواندن یک کتاب صفی‌نژاد نمی‌توان فهمید ایرانیان یعنی چه؛ باید آرام‌آرام این آثار را خواند و مانند قطعات یک پازل کنار هم قرار داد.»

رئیس انجمن انسان‌شناسی ایران، تضعیف این سنت را حاصل عملکرد همزمان دو جریان دانست: از یک سو نظریه‌های ترجمه‌ای و رویکردهای انتزاعی در علوم اجتماعی دانشگاهی و از سوی دیگر، برخی قرائت‌های علوم اجتماعی اسلامی که بیش از مطالعه تجربی جامعه، بر بحث‌های نظری متمرکز شده است. به تعبیر او، این دو جریان مانند «دو لبه قیچی» عمل کرده و فضای رشد پژوهش تجربه‌محور را محدود کرده‌اند. او تصریح کرد: «این جامعه لایه‌های فرهنگی دارد که دیده نمی‌شوند، اما بسیار مهم‌اند؛ مثل هوا که آن را نمی‌بینیم، اما بدون آن حیات متوقف می‌شود.»

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۹۱۶۶

جدول عادی

افقی

۱- پرستو - عصبانی شدن
۲- چشم‌به‌راه و منتظر - قشری از جامعه - پدربزرگ
۳- فزونی برنج - نیکویش ماندنی است - گذرگاه سرپوشیده - ناخن چهارپا
۴- جنس برخی از ظروف آشپزخانه - چاه جهنم - شهر پرجمعیت «افغانستان»
۵- میدانی در تهران - ضربه و شوک - کشور فلاسفه
۶- درخت‌انداز - مثل ماه - ورزش شبه‌قاره هند
۷- نشانه‌ها، مقصدها - ادامه و تتمه - طریق
۸- دختر - لوازم تحریر - کلمه اخطار و تنبیه
۹- مخفف سیاه - با «گفت» آید - خاصیت، صفت
۱۰- اختراع «گراهام‌بل» - میوه‌ای از نوع خربزه - نوعی ساز
۱۱- جاهل - دوری از یار - نقطه سیاه بر پوست
۱۲- اولین عدد ۴ رقمی - ماده شیمیایی بیهوش کننده - اهل سرزمین شگفتی‌ها
۱۳- چیز - محل‌ها - ایستگاه پیک‌ها - اشاره بعید
۱۴- اصطلاحی در فوتبال - خودروی صحرا - فوق دیپلم
۱۵- خواب مغناطیسی - خودداری از خوردن

عمودی

۱- محدوده و نظام - نسخه خطی
۲- تکیه دادن - پادشاه خونخوار قوم هون - یک نفر، کسی
۳- چه چیزی؟ - مسأله مهمی که باید در آن دقت شود - عددی دورقمی - عضو صورت
۴- فطری و ذاتی - تن، پیکر - در آرزوی فرزند
۵- همه به آن محتاجیم - ترشح و نشت - شهرت‌طلب
۶- کارها - تیر، گلوله - مخترع هواپیما
۷- خشکی - روز قرآنی - کدر - رونوشت و نسخه اضافی
۸- غذای محلی آذربایجان شرقی
۹- سوا - واعظ عیسوی - قطعه‌ای از زمین زراعت کرده و سبزی کاشته - انگشت‌شمار
۱۰- اول امری - سازمان بین‌المللی استانداردسازی - نژاد ایرانی
۱۱- هافبک هجومی پیکان - پدر سمفونی - رأی‌ها
۱۲- درجه دریایی - عبور صفوف منظم نظامی - مونس، یار
۱۳- اینجانب! - جای پختن نان در دکان نانوایی - کوره - بنیاد
۱۴- ظرف پذیرایی - اطلاع - پنجمین شهر پرجمعیت «ترکیه»
۱۵- اصطلاحی در ریاضی - درمانگاه

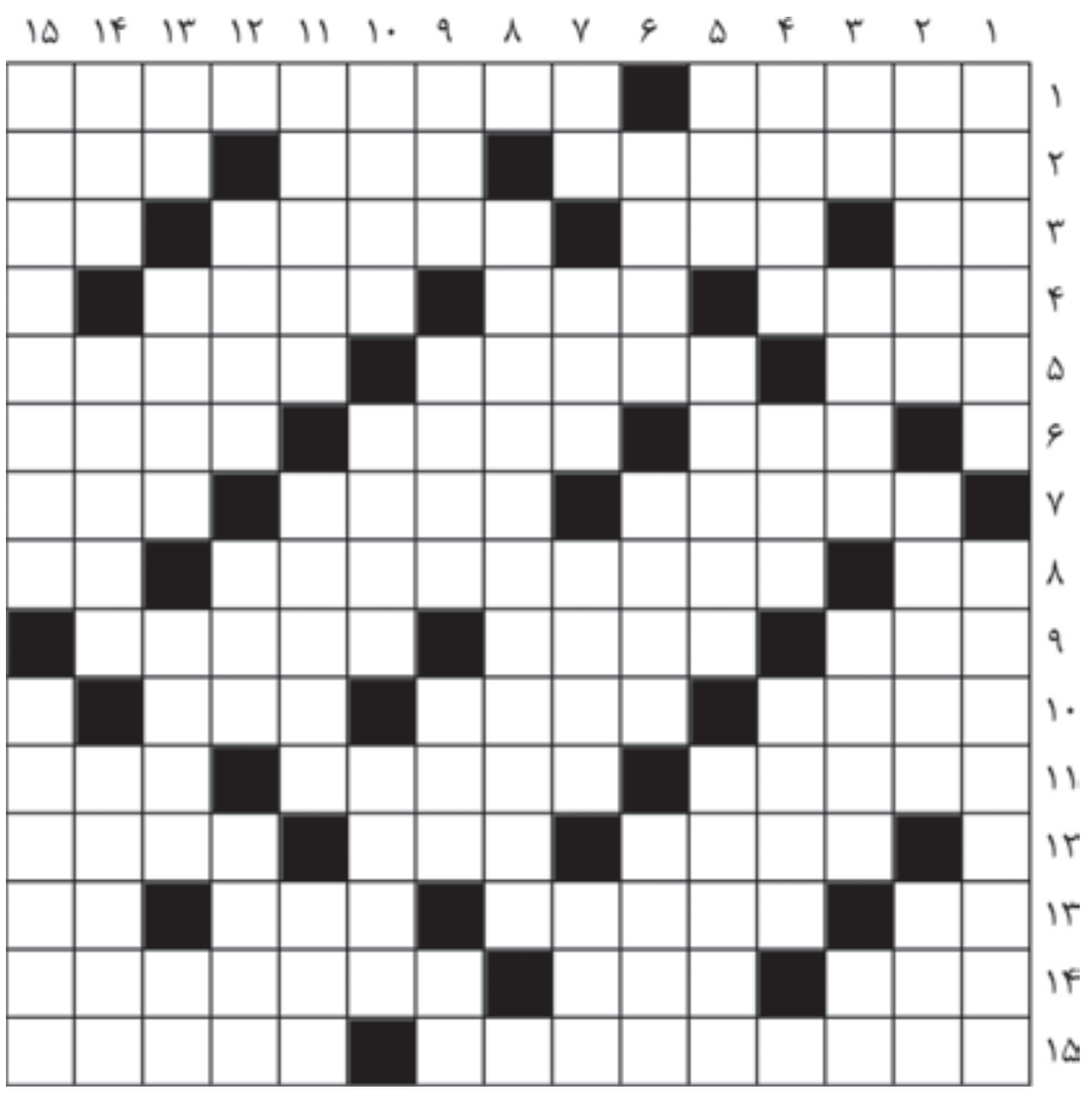
جدول ویژه

افقی

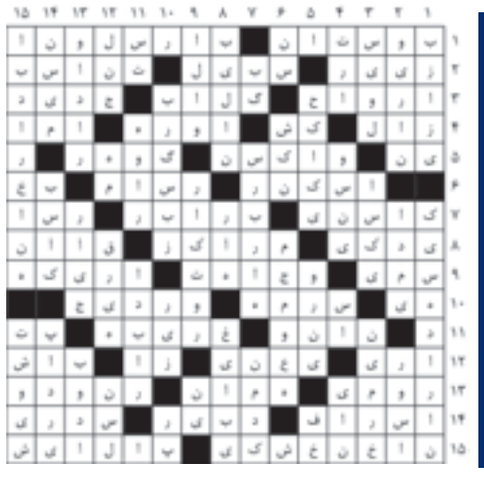
۱- پولدار - افزایش ضربان قلب با بیش از ۱۰۰ ضربان در هر دقیقه
۲- قره‌قروت - کشتی رایج در خلیج‌فارس و دریای عمان - کشیدنی با شانه
۳- میان چیزی - امر به نگریستن - فقر - یکدنده
۴- جاوید - نوعی توربین - فلاکت
۵- یله - جمع مکان - بیماری عفونی و مشترک بین انسان و حیوانات
۶- رشته - ساده‌دل، بی‌عیب - صدا
۷- افسردگی - بازگشتن و مراجعت کردن - قسمتی از هواپیما
۸- درخت سایه‌گستر - کتاب «پابلو نرودا» - ۱۲ کیلوگرم
۹- غمگین - جمع عیب - چند پلان
۱۰- پرسش - حلاج - تقویت امواج صوتی
۱۱- آتش‌زنه پُرکاربرد - نژادی سفیدپوست - خو گرفتن
۱۲- پهناور - شوق، شادی - مجوز سفر با وسایل نقلیه عمومی
۱۳- مفت - مشق محصل - برنده - حرف روسی
۱۴- خشک‌رفتار - ظرف - آهنگ علی زند وکیلی
۱۵- روشی در درمان - پرگار

عمودی

۱- اتومبیل پرسرعت - روغن ترمز
۲- همانندی - مربوط - چلمن
۳- زوبین - درون محدوده - اشاره رمزگونه به شخص ثالث - راز
۴- هوو - اسب چاپار - پیانوزن مجارستانی
۵- مسابقات سراسری دوره‌ای - خبر دادن - فیلم احسان عبدی‌پور
۶- اقیانوس خاموش! - هویدا شدن - آشکار
۷- آخر - بم‌ترین صدای مرد در موسیقی - مالیخولیا - حافظه و ذهن
۸- مخترع لیزر
۹- بزرگ‌ترین غده بدن - نام پسرانه - زمین‌گیر - وزغ
۱۰- مجلسی در «تایوان» - آموزگار - سخنوران
۱۱- دامنه کوه و تپه - خندان و بَشاش - نهر بزرگ
۱۲- اثر محمدرضا بایرامی - دارایی - دیوار دور شهر
۱۳- بازو - خاک - درخت جوان - ضمیر جمع
۱۴- پُر حرارت - از مراکز قدیمی و مهم شیعیان شبه‌قاره هند - گیاه شیرین!
۱۵- اثر تاریخی «خلیل‌آباد» خراسان رضوی - فیلم حسین فرح بخش



حل جدول عادی شماره ۹۱۶۵



حل جدول ویژه شماره ۹۱۶۵

